روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
www.sharghnewspaper.ir - پست الکترونیکی: Info@sharghnewspaper.ir
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران، خیابان آفریقا، بلوار گلشهر، پلاک ۴۶
تحریریه: ۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴ نمابر: ۲۲۰۳۴۵۱۵
سازمان آگهی ها: ۲۲۰۵۷۰۹۰ (۲۰خط)- نظارت بر توزیع: ۶۶۹۵۸۶۱۰
امور مشترکین- تلفن: ۲۰-۶۶۹۷۱۱۱۹، نمابر: ۶۶۴۰۴۱۶۵
امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق- چاپ: افست

روزنامه شرق

سال سوم ■ شماره ۷۷۰ ■ شنبه ۶ خرداد ۱۳۸۵ ■ ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۲۷ ■ ۲۷ مه ۲۰۰۶

آبادان	+۲۹+۴۰	بیرجند	+۱۵+۲۹	سنندج	+۷+۲۱	همدان	+۹+۲۱
اراک	+۱۰+۱۹	تهران	+۱۴+۲۳	شهرکرد	+۹+۲۰	یاسوج	+۱۸+۳۰
اردبیل	+۱۱+۱۹	تبریز	+۸+۲۴	شیراز	+۲۰+۳۱	یزد	+۱۶+۲۶
ارومیه	+۸+۲۳	خرم‌آباد	+۱۲+۲۴	قزوین	+۱۳+۱۷	دبی	+۲۷+۳۷
اصفهان	+۱۰+۲۶	رشت	+۱۳+۲۰	کرمان	+۱۵+۲۸	نجف	+۲۷+۴۰
اهواز	+۲۶+۴۲	زاهدان	+۲۰+۳۵	کرمانشاه	+۸+۲۰	مکه	+۲۷+۳۸
ایلام	+۱۸+۳۰	زنجان	+۵+۱۹	کاشان	+۹+۲۱	مدینه	+۲۵+۴۰
بجنورد	+۱۱+۱۹	زابل	+۲۱+۳۷	کیش	+۳۱+۳۶	لندن	+۱۱+۱۶
بندرعباس	+۲۵+۳۷	ساری	+۱۹+۲۷	گرگان	+۱۰+۲۱	پاریس	+۱۲+۱۴
بوشهر	+۳۱+۳۱	سمنان	+۱۳+۲۲	مشهد	+۱۱+۱۹	استانبول	+۱۳+۲۵

تهران: اذان ظهر ۱۲:۰۱ اذان مغرب ۱۹:۳۰ اذان صبح فردا ۳:۱۲

راهنمای امروز

تلویزیون امروز

پاندورسا (تکرار)	دو	۱۳
گنجینه معبد (تکرار)	سه	۱۳/۴۰
سریال «قلب» (تکرار)	پنج	۱۹
سریال اولین شب آرامش	سه	۲۰/۱۵
کتاب چهار	چهار	۲۰/۳۰
زندگی به شرط خنده	پنج	۲۱
دنیای افسانه‌ها	دو	۲۱
یار دوازدهم (ویژه جام جهانی)	سه	۲۲/۲۰
هشدار برای کبری ۱۱	پنج	۲۳

سینمای امروز

آتش بس (تهمینه میلانی)

فرهنگ- آفریقا- ایران۱- عصرجدید ۲- پارس ۱- گلریز ۱- آسیا- بهمن۲- جوان۲- قیام- جوان۲- پیروزی- المپیا- تهران۱- شاهد- پایتخت- ناهید- ماندانا.

باغ های کندلوس (ایرج کریمی)

فرهنگ۲- فلسطین۲- سپیده۲- ایران۲

چند می گیری گریه کنی (شاهد احمدلو)

استقلال- جمهوری- بلوار- آستارا- کارون- بهمن۱- فردوسی- شاهد- مرکزی۱- دهکده- سروش- ملت- پیوند- تهران۲- کانون- گلریز- فلسطین۳- حافظ

به آهستگی (مازیار میری)

عصرجدید۱- صحرا- شهر تماشا۲

ازدواج به سبک ایرانی (حسن فتحی)

قدس- ایران ۳- فلسطین۱- مرکزی۲ جی۱- جوان- میلاد

تجسمی امروز

نمایشگاه آثار حجم مجید شیخ اکبری
گالری یک فرهنگسرای نیاوران- ۲۲۲۹۹۴۳۰

نمایشگاه عکس ارگ قدیم بم
فرهنگسرای نیاوران- ۲۲۲۹۹۴۳۰

نمایشگاه عکس «پنجره‌های نقره‌ای»
موزه هنرهای معاصر- ۸۸۹۵۱۹۶۵

نمایشگاه نقاشی گروهی
نگارخانه والی - ۸۸۰۴۳۶۸۷

نماشگاه نقاشی مهرو اصغری
نگارخانه دی - ۸۸۷۰۰۸۴۹

نمایشگاه نقاشی مینو اسعدی
نگارخانه کمال‌الدین بهزاد- ۸۸۹۶۰۴۵۳

نمایشگاه نقاشی گروهی
نگارخانه ماه - ۲۲۰۴۵۸۷۹

نمایشگاه نقاشی سپیده فرزام
نگارخانه اعتماد - ۲۲۵۹۹۱۲۷

نمایشگاه عکس
موزه هنرهای معاصر تهران - ۸۸۹۵۱۹۶۵

نمایشگاه نقاشی فرزانه قریشی
گالری گلستان - ۲۲۵۴۱۵۸۹

نمایشگاه عکس آنه ماری شوارتسنبحاخ
گالری میرمیران - ۸۸۸۳۶۶۷۱

نمایشگاه نقاشی مینو عمادی
نگارخانه طراحان آزاد - ۸۸۰۰۸۶۷۶

فرهنگ

افتخاری بالاخره کنسرت می‌گذارد؟

موسیقی

بعد از اینکه علیرضا افتخاری از نامگذاری آلبوم خود با نام «عشق استاد» که ترانه هایی خراسانی به یاد محمدرضا شجریان بود، منصرف شد، این بار آلبوم جدیدی را با نام «آواز عشق» روانه بازار می کند که آهنگساز آن بهزاد خدارحمی و شامل هفت تصنیف است. غزل های آواز این آلبوم از مولانا و ترانه های آن سروده هایی از باباطاهر، ساعد باقری و پرویز بیگی حبیب آبادی است. افتخاری خواننده ای است که با بیکاری میانه ای ندارد و هر ماه از او خبرهای تازه ای به گوش می رسد. اسفندماه سال گذشته شنیدیم که او «سکوت» آلبومی متشکل از آثار الهی و عرفانی را به آهنگسازی فریدون شهبازیان و عباس خوشدل آماده کرده که براساس موسیقی سنتی ایران و با سازهای کلاسیک شکل گرفته و البته هنوز وارد بازار نشده است. فریدون شهبازیان و علیرضا افتخاری سابقه همکاری دیرینه ای دارند که از آثار ماندگار این دو می توان به «نیلوفرانه» اشاره کرد که هنوز طرفداران بسیار دارد. این خواننده هیچ علاقه ای به برگزاری کنسرت ندارد.

زمستان سال گذشته وقتی از او پرسیدند چرا اجرایی زنده ترتیب نمی دهد، گفت: «در خانه نشستن بهتر از این است که در زمستان کنسرتی برگزار کرد و مردم را از گوشه و کنار ایران برای دیدن کنسرت به تهران کشاند که این قضیه نه تنها خیر و ثواب نیست، بلکه گناه است. وقت و زمان را که از ما نگرفته اند. هر هنرمندی باید در زمان مشخص کنسرت برگزار کند تا بتواند تمام عاشقان و دوستداران موسیقی را با آغوش باز پذیرا باشد.» البته بهزاد خدارحمی گفته است که ممکن است در اواسط تیرماه کنسرت هایی را در تهران و چند شهر دیگر به همراه علیرضا افتخاری برگزار کند.

زبان کاریکاتور و اشتباه غیرعمد

نگاه روز

جمال رحمتی: در زمانه ای زندگی می کنیم که مرزها رنگ باخته اند. مرز بین فرهنگ ها و قومیت ها. در زبان فارسی کلمات بسیاری را می توان یافت که ریشه فارسی ندارند. بسیاری از آنها در زبان نوشتاری مورد استفاده قرار نمی گیرند اما به صورت محاوره ای بسیار متداولند. «ایکی ثانیه»، «قاراشمیش»، «نمنه» و... واژگانی ترکی هستند که به وفور در مکالمات روزمره مورد استفاده هستند. همین طور واژگانی عربی، انگلیسی و فرانسوی. این طبیعت زندگی در این زمانه است. زمانه ای که هیچ مرز و دیواری را برنمی تابد. مدتی است که مانا نیستانی و مهرداد قاسم فر در حبس هستند. اولی به جرم ترسیم کاریکاتوری که باعث رنجش هموطنان عزیز آذری شده و دومی به دلیل مسئولیت جریده ای که کاریکاتور مورد اشاره در آن به چاپ رسیده است. به چند دلیل خود را موظف می دانم در مورد کاریکاتوری که باعث ایجاد جنجال شده است اظهارنظر کنم. یکی به این دلیل که آشنایی نزدیک و دیرینه ای با مانا دارم و با درونیات و خصوصیات اخلاقی و فردی او بیگانه نیستم. دوم به دلیل اینکه کاریکاتوریستم و زبان مادری ام ترکی است و سوم به دلیل همکاری ام با «ایران جمعه» و آشنایی با مشی این نشریه. آشنایی من با مانا به بیش از ۱۲ سال برمی گردد؛ از زمان همکاری مان با «آدینه» و «دنیای سخن» و بعد از آن نیز همکاری مشترکمان با بیش از بیست نشریه دیگر. با توجه به خصوصیاتی که در این زمان طولانی آشنایی از مانا سراغ دارم، به جرات می توانم بگویم آنچه که او بر روی کاغذ آورده است یک اشتباه کاملاً سهوی است. کلمه «نمنه» در زبان محاوره ای به طور شفاهی مورد استفاده است اما مانا از ابعاد مکتوب کردن چنین کلمه ای آن هم در رسانه رسمی دولتی بی خبر بوده است. خصوصیاتی که من از او می شناسم به او اجازه نمی دهد که توهین را با کارش آمیخته کند. این را همه آنهایی که کارهای او را دنبال کرده اند تائید می کنند. در پایان به عنوان کاریکاتوریست ترک از عزیزان همزبان خود درخواست می کنم تا با توجه به عذرخواهی چندباره مانا نیستانی و همین طور اقدامات دیگری که همگی به منظور پاسخ دادن به احساسات پاک عزیزان آذری صورت گرفته است، بزرگوارانه در شکل برخورد با این اتفاق تجدیدنظر کنند. زیرا آنچه که اتفاق افتاده است یک اشتباه غیرعمد است.

لویی فردینان‌سلین ۱۱۲ ساله شد

تولد

مهدی یزدانی خرم: امروز سالروز تولد لویی فردینان سلین است. نویسنده فرانسوی که زندگی و آثارش در نوع خود بی نظیر و شاید متفاوت بود. سلین به سال ۱۸۹۴ به دنیا آمد و در سال ۱۹۶۱ درحالی از دنیا رفت که هنوز جایگاه و ارزش اصلی آثارش شناخته نشده بود. مرد خشمگین فرانسوی را باید نویسنده ای دانست که برخلاف بسیاری از اصول و قواعد روزگارش حرکت کرد. او پزشک بود و در همان سال های جوانی تجربه جنگ اول جهانی را درک کرد. این دو ویژگی ذهن نویسنده را به سوی افق ها و فضاهایی برد که از برآیند آنها ادبیاتی سیاه، تلخ و از همه مهمتر سرخورده خلق شد. زندگی اش در سایه همین ادبیات دیده می شود. به واقع سلین با توسل به مسیر روزگارش شخصیت ها و روایت هایی ساخت که نوعی جنون لگام گسیخته را در لوای ساختاری نبوغ آمیز ارائه می دهند. سلین نویسنده وجدان شرم زده ای است که دیگر نمی تواند از زیبایی های دروغین بگوید. او نفرین شد. مردمش بر سر یک سوءتفاهم ـ نوشته های او در باب یهودیان و منتسب دانستن اش به نازیسم- تکفیرش کردند و پزشک نویسنده را وادار کردند تا از فرانسه بگریزد. در این گیر و دار بود که سلین به زندان افتاد. دوران زندان و تبعید را در دانمارک گذراند و سال های آخر عمر بود که دولت فرانسه او را عفو کرد تا به فرانسه بیاید و بعد از چندی در انزوا از دنیا برود. شاید بتوان گفت که سلین قربانی تفکری شد که در آن روزگار چپ بودن را تقدیس می کرد و مخالفان آن را برنمی تابید. سلین نویسنده ای پرکار بود. حتی تحقیرها، سر بالا انداختن های مشتی منتقد محافظه کار و کج فهمی های مخاطبان که تاب روایت های نو و تلخ او را نداشتند، برایش کوچک ترین اهمیتی نداشت. با وجود توجه فراوانی که به رمان اولش یعنی سفر به انتهای شب (۱۹۳۹) شد، اعم آثار دیگرش در سال های پایانی عمر و یا بعد از مرگش مورد توجه قرار گرفتند. ادبیات او درست نقطه مقابل جریانی بود که سارتر و هواخواهان فراوانش رسم کرده بودند. ادبیاتی زنده و هراس آور که در آن جملات و تصویرهای فراوان به صورت هذیان، شکسته و گاه بی سرانجام یک هارمونی درخشان را از وضعیتی سیزیف وار به نمایش می گذارند. ما معرفی این نابغه را مدیون آل احمد هستیم. اویی که در برخی آثار و گفته هایش به نام او اشاره می کند. در سال های بعد نیز مرحوم فرهاد غبرایی شاهکارش یعنی سفر به انتهای شب را به فارسی برمی گرداند که تا به امروز چند بار منتشر شده است. سحابی هم سال گذشته رمان درخشان مرگ قسطی اش را ترجمه می کند. رمانی که به زعم اکثر منتقدان از بی نظیرترین رمان های ادبیات فرانسه در قرن بیستم است. لویی فردینان سلین وجدان نسلی است که بیهوده جنگید و بیهوده مرد و همین است که پزشک انسان دوست فرانسوی را به نوشتن تلخ ترین کابوس های داستان خود دچار کرد... وقتی در موتور جست وجوی گوگل نام سلین را جست وجو می کنی، عکس های چندانی به دست نمی آید. در همین معدود تصاویر ـ اغلب کوچک و بی کیفیت- چشمان مردی به تو خیره است که گویا می دانست دنیای ادبیات از نادیده گرفتنش شرمنده خواهد شد.

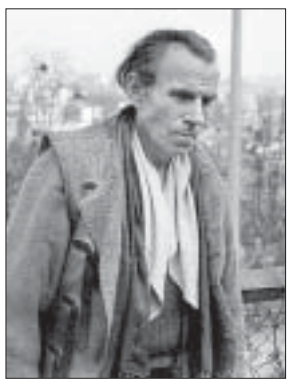

سیخ و کباب

نگاه طراح

فیروزه مظفری

۱۰ مدعی پایاپای برای نخل طلای ۲۰۰۶

«کن ۵۹»؛ در انتظار رای هیات ژوری

کن ۲۰۰۶

وصال روحانی: فستیوال فیلم کن ۲۰۰۶ که پنجاه و نهمین دوره این جشنواره است، قدم به آخرین روز خود نهاده است و ظرف امروز و فردا پایان می گیرد و برندگان نخل طلا مشخص می شوند. در حالی که رایزنی ها برای شناخت بهترین ها ادامه دارد، برخی فیلم های خارج از بخش مسابقه و همچنین «هفته کارگردان ها» که از قسمت های جنبی فستیوال است، توانسته اند نظرهای بسیاری را ظرف ۴۸ ساعت اخیر به خود جلب کنند و خبرساز باشند. پنجشنبه در شرایطی فیلم «Scanner darkly A» ساخته ریچارد لینک لتر آمریکایی و براساس رمانی از فیلیپ کی دیک در خارج را بخش مسابقه اکران شد و سر و صداهایی را به پا کرد که این کارگردان یک فیلم جدید دیگرش به نام «ملت غذای فوری» را نیز در بخش مسابقه جشنواره حاضر دارد. «Scanner darkly A» یک کار انیمیشن ولی با شرکت کیانو ریوز است و همین مسئله و ادغام این دو فاکتور با یکدیگر از جالب ترین وجوه این فیلم بوده است. فیلم از ژانر علمی - تخیلی - حادثه ای است و زمانی نامعلوم را نشان می دهد و کشور و جامعه ای را می بینیم که توسط نظامیان و براساس ترس مردم از آنها اداره می شود. در حالی که مقام های این کشور در حال جست وجو برای یافتن قاچاقچیان موادمخدر هستند، گروهی از دوستان و همکاران مجبور می شوند بر علیه یکدیگر جاسوسی و خبرچینی کنند. با این حال فیلم لینک لتر بسیار صریح و قاطع به محکوم کردن دولت آمریکا می پردازد و در نماهایی از خود دخالت و خشونت ورزی ارتش و نظامیان این کشور را در سایر جوامع به بهانه برقراری امنیت جهانی به زیر سئوال می برد و جنایات آمریکایی ها را رو می کند.

تیم بازی عضو هیات داوران کن ۲۰۰۶

در همین حال طی روزهای پنجشنبه و جمعه چند فیلم دیگر بخش مسابقه نیز اکران شد و «راهپیمایی جوانان» به کارگردانی پدرو کاستای پرتغالی، «بابل» ساخته الخاندرو گونزالس ایناریتوی مکزیکی و «فلاندرز» اثر برونو دومون فرانسوی از آن دست بودند. حالا چشم ها و گوش ها به رای هیات ژوری جشنواره به سرکردگی وونگ کارواي هنگ کنگی است که امشب وارد شور و بررسی نهایی خود می شوند و رای پایانی خود را روز یکشنبه اعلام می دارند. اما کدام فیلم ها برای تصاحب نخل طلای بهترین فیلم جشنواره امسال بخت و اقبال بیشتری دارند، در پاسخ باید گفت در یکی از «فشرده ترین و برابرترین» ادوار جشنواره چیزی حدود ۱۰ فیلم برای رسیدن به این افتخار صاحب بخت هستند و رقابتی بالنسبه پایاپای دارند. این فیلم ها عبارتند از: «بابل» ساخته الخاندرو گونزالس ایناریتو از مکزیک، «Climates» کار نوری بیلگی سیلان از ترکیه، «روزهای افتخار» (یا «محلی ها») به کارگردانی رشید بوغارب از الجزایر، «روشنایی ها در سحر» ساخته آکی کاریسماکی از فنلاند، «ماری آنتوانت» کار سوفیا کاپولا از آمریکا، «جاده سرخ» به کارگردانی آندریا آرنولد از بریتانیا، «The Caiman» کار نانی مورتی از ایتالیا، «آوازه خوان» ساخته زاویر جیانولی از فرانسه، «بادی که برلی را تکان می دهد» از کن لوچ از بریتانیا و «Volver» از پدرو آلمودوار از اسپانیا. اما اگر هیچ یک از این ۱۰ فیلم اول نشدند و نخل طلا به یکی از ۱۰ فیلم دیگر حاضر در بخش مسابقه رسید تعجب نکنید، زیرا این عادت کن و هیات داوران آن است که با گزینش های غیرمنتظره خود همگان را شگفت زده کنند.

شماره جدید مجلات ادبی و هنری

■ بروکس و فینیکس در دنیای تصویر

شماره جدید دنیای تصویر منتشر شد. روی جلد این شماره به تصویری از تام کروز اختصاص دارد که به تازگی فیلم ماموریت غیرممکن: ۳ از او پخش شده است. خوانندگان دنیای تصویر می توانند در این شماره دو پوستر تمام رنگی از دو فیلم پرطرفدار «رمز داوینچی» و «ماموریت غیرممکن: ۳» دریافت کنند. «بررسی فیلم های ایرانی اکران بهار»، «انتقاد اسکارلت جوهانسون از جورج بوش»، «گفت وگو با مل بروکس»، «راهنمای نوشتن فیلمنامه در ژانر اکشن / ماجرایی»، «گفت وگو با خواکین فینیکس و بررسی فیلم عبور از خط»، «پرونده فیلم ک مثل کین خواهی» و بررسی فیلم های روز ۱۶ محله، غریزه، اصلی ۲، عصر یخ: ذوب، آدم خودی، فرابنفش، پرتاب ناموفق سگ پشمالو، آکوا مارین و... از جمله مطالب دنیای تصویر صد و پنجاه و هفتم است. در این شماره مطالب خواندنی دیگری هم به چشم می خورد که علاقه مندان جهان تصویر و هنر می توانند با قیمت هزار تومان این مجله را از روزنامه فروشی های معتبر بخواهند.

■ روایت در بایا

شماره ۳۹ و ۴۰ نشریه بایا منتشر شد. «چیستی روایت» عنوان سرمقاله این شماره است و «نام گل سرخ»، «حدیث غربت سودی» و «امکان روراستی با راوی» عناوین بخش روایت را تشکیل می دهد. در بخش قصه هم می توانید داستان هایی با عنوان «یکونات ریغماسی»، «چه با اخم چه با عشق»، «نرگس برای نرگس»، «بی سرزمین»، «اجازه بدهید ما بمیریم» و «لب کلام» بخوانید. در بخش شعر نقاشی هم اثری از یدالله رویایی با عنوان «تخته سیاه از بداهه» به چشم می خورد. در این شماره بایا اشعاری از شاعران مطرح کشور در بخش شعر به چاپ رسیده و علاوه بر این در بخش مقاله هم می توانید مقالاتی چون «گریز از روایت کلان و عظمت طلبی» و «نظریه ای برای پسامدرن» بخوانید. این شماره بایا را از روزنامه فروشی ها و کتابفروشی های معتبر بخواهید.

■ هدایت در هنر پارسی

در هنر پارسی هفتم و در بخش معماری مطلبی ویژه بزرگداشت مهندس سیدهادی میرمیران چاپ شده است و مطلبی با عنوان «برج به برج» را هم در بخش ایرانگردی می خوانیم. «خیال، حوصله بحر می پزد»، «رودررو با استاد محمد احصایی» و «بهترین نمایشگاه سال ۸۴ از منظر صاحب نظران» برخی عناوین بخش تجسمی است. «بانوی پیانیست در قهوه خانه سر راه»، «گفت وگو با نادر مشایخی»، «یادی از علی تجویدی» و «نقش صادق هدایت در برخی فیلم های سینمای ایران» مطالبی است که در بخش های سینما، تئاتر و موسیقی می خوانیم. قیمت این شماره هنر هفتم ۲ هزار تومان است و به علاقه مندان پیشنهاد می کنیم خواندن مطالب آن را از دست ندهند.

فوتبال به مثابه یک وظیفه

کرگدن نامه

سیدعلی میرفتاح

تا چند روز دیگر که مسابقات جام جهانی شروع می شود، تماشای فوتبال نیز به مثابه وظیفه ای خوشایند بر عهده مردم گذاشته می شود. پخش مسابقات فوتبال مدار زندگی مردم را به شکلی واضح و غیرقابل انکار تحت تاثیر قرار می دهد. هر کس، هر کار که می خواهد بکند و هر جا که می خواهد برود، قبل از هر چیز، حساب و کتاب می کند که برنامه اش با برنامه فوتبال تداخل پیدا نکند. مهمانی ها، ملاقات های کاری، سفرهای تفریحی یا بیزنسی، درس خواندن، استراحت کردن و هرچه تو گویی در ایام پخش مسابقات جام جهانی رنگ و بویی دیگر می گیرد و در نسبت با فوتبال، فرمی جدید پیدا می کند. هر کس که به فوتبال علاقه نداشته باشد و دیدن بازی های جام جهانی برایش جذابیتی نداشته باشد، در چنین روزها و شب هایی، خود به خود از بقیه جدا می افتد و از کانون مراودات و گفت وگوهای متداول دور می افتد. چطور می شود در ایام فوتبال موجودی را تحمل کرد که برایش تیم ملی آلمان با برزیل و یا حتی ایران فرقی ندارد و هرگز درنمی یابد که بازیکنان چطور می توانند معجزه کنند و شگفتی بیافرینند؟ من قبلاً هم نوشته ام که ذوق فوتبال ندارم و به رغم سعی و تلاشی که می کنم ذره ای از جذابیت های گل زدن های غیرممکن و گل خوردن های سرنوشت ساز را نمی فهمم. به هیچ وجه درنمی یابم که کلینزمن با زیدان چه فرقی با هم دارند و چطور می شود، یکی را تا حد اسطوره بالا برد و از دیگری به خاطر گل نابجایی که زده، متنفر بود. در عالم خیلی چیزها هست که من از آنها سر درنمی آورم، اما هیچ کدام آنها مثل نفهمیدن فوتبال مرا تحقیر نکرده و مرا از جمع رفقای یکدل خود طرد نکرده است. مدت ها پیش که در هر جمعی می دیدم که تیم های باشگاهی یا ملی برای خود طرفداران پروپاقرصی دارند که برای هم شوخی و جدی کرکری می خوانند و حتی چیزی مثل حزب تشکیل می دهند و طرفداران منچستر با طرفداران بارسلون یا بایرن مونیخ به رقابت جدی می پردازند، به این فکر افتادم که گروهی گرد کنم که آنها هم مثل من فوتبال را جدی نمی گیرند و در یک مهمانی جمع و جور، پخش فوتبال با صدای نه چندان دلچسب فردوسی پور یا خیابانی را بر همه چیز ترجیح نمی دهند. راستش را بخواهید از شنیدن صدای گزارشگران، از اغراق ها و تعابیر باوجه و بی وجه شان سردرد می گرفتم و از این شور و حال به ظاهر کاذبی که تماشاچیان تخمه شکن یک باره به خود می گرفتند و بابت گل زدنی یا گل خوردنی پا بر زمین می کوبیدند و هورا می کشیدند و چنان هیجانی به خود می گرفتند که لب بام آورد همسایه ام را... دچار حالتی ناخوشایند می شدم که نمی دانستم باید چه کنم. «هر زمان عربده با خلق خدا نتوان کرد.» نمی توانستم رفقایم را از دست بدهم و در ایام پخش بازی ها بایکوت بشوم و شب ها را به تنهایی سر کنم. برای همین دنبال آدم هایی گشتم که آنها هم اهمیت فوتبال را درک نکنند و موقع پخش بازی از شبکه سه، به راحتی کانال دیگر را تماشا کنند و حرف هایی غیر از جنس فردوسی پور و مهدوی کیا و ایتالیا و فرانسه و آلمان بزنند... اما هرچه گشتم کمتر یافتم. به سراغ فلاسفه رفتم، آنها را به فوتبال مشتاق تر یافتم. به سراغ اهل ادبیات رفتم، دیدم آنها حتی با تعبیرهایی نظیر «چه می کند این استاد اسدی»، یا «چه گل نزنی شده است این هاشمی نسب» حال می کنند و از تشویق بازیکن به تشویق گزارشگر رسیده اند. به سراغ خیلی های دیگر رفتم و دیدم لااقل در بین آنها که می شناسمشان فقط من هستم که از آتش این کاروان جدا مانده ام. حالا این دوره از بازی ها که دارد می رسد، تصمیم گرفته ام که از خر شیطان پایین بیایم و برای درک این دنیای مدرن هم که شده، خود را همرنگ جماعت کنم و به مثابه یک وظیفه به تماشای مسابقات جام جهانی بنشینم و به زور هم که شده خود را شریک شادی ها و غم های زودگذر میلیاردها انسان فوتبال دوست کنم. شاید موفق شدم، خدا را چه دیدید؟

mirfattah@yahoo.com

اخبار اندیشه

خرمشهر در حماسه ای دیگر

شرق: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) به مناسبت سالروز فتح خرمشهر ویژه نامه الکترونیکی «حماسه ای دیگر» را منتشر کرد. به گزارش روابط عمومی این دفتر، نشریه الکترونیکی مذکور با ارائه بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی درخصوص حماسه سازان خرمشهر به نشر برخی خاطرات دفاع مقدس از زبان ایشان می پردازد. علاقه مندان برای بازدید از این نشریه می توانند به آدرس اینترنتی: www.Khamenei.ir مراجعه کنند.

انجمن علمی فلسفه و حکمت اسلامی

آفتاب نیوز: دانشجویان گروه فلسفه دانشگاه قم انجمنی را با عنوان «انجمن علمی فلسفه و حکمت اسلامی» تشکیل داده اند. این انجمن برای بازتاب فعالیت های خود یک وبلاگ گروهی را نیز اختصاص داده است. اخیراً اعضای این انجمن در نشست صمیمانه ای با حضور مدیرگروه مربوطه الله بداشتی، به گفت وگو و تبادل نظر پرداختند. علی زمانی، دکتر عابدی، دیرباز، جوادی، ایزدپناه و شاهرخی از دیگر اساتید گروه فلسفه دانشگاه قم هستند که در کنار دانشجویان این انجمن را یاری می دهند. این انجمن دارای یک وبلاگ گروهی است که به آدرس زیر قابل بازدید است: www.philosophers.blogfa.co